

کشورهای غربی چطور هم از مهاجران سوءاستفاده می‌کنند هم از مهاجرستیزان

کاسبی از صنعت مهاجرستیزی



یاندژ جوامی
خبرنگار گروه اقتصاد

براساس آمارهای اداره مهاجرت آمریکا، تعداد مهاجران غیرقانونی در ایالات متحده آمریکا به ۱۱ میلیون نفر رسیده است. این موضوع حالا به یکی از چالش‌های دولت دونالد ترامپ تبدیل شده که شعارش اخراج گسترده مهاجران غیرقانونی است.

فاینشال‌تایمز در گزارشی تحقیقی مدعی شد علاوه‌بر اخراج مهاجران که سرعت گرفته، اکنون تعداد ۵۸ هزار زندانی از مهاجران غیرقانونی در بازداشتند که از زمان به‌قدرت‌رسیدن ترامپ ۴۶ درصد افزایش یافته و گزارش‌هایی از ازدحام بیش از حد، غذای نامناسب و مشکلات دسترسی به خدمات پزشکی و حقوقی در آنها منتشر شده است. موضوع مهاجران فقط مختص آمریکان نیست و بیش از هر جا، اتحادیه اروپا درگیر سیاست‌های مهاجرتی و حجم انبوه مهاجرانی است که بعضاً چالش‌های اجتماعی نیز برای کشور میزبان ایجاد کرده‌اند. تحلیل‌گرانی می‌گویند در حال حاضر می‌توان از وجود یک «صنعت مهاجرت» جدیدی سخن گفت که مسئول دستگیری، نگهداری مهاجران و حتی اخراج آنهاست و مراکزی است که از دولت بابت این اقدامات بودجه سنگین دریافت می‌کند. شکل‌گیری صنعت مهاجرت نه نتیجه یک حادثه طبیعی همچون سیل یا زلزله، بلکه پیامد مستقیم دستکاری‌های ژئوپلیتیکی، سیاست‌های استعماری، جنگ‌ها، درگیری‌ها و تنش‌های قومی و نژادی است که توسط آمریکا و کشورهای غربی در نقاط مختلف جهان اعمال و در نهایت باعث ناامنی، مهاجرت و پناهندگی گسترده می‌شود. تبعات اقتصادی و اجتماعی مهاجران و پناهندگان علاوه بر آمریکا و کشورهای غربی، برای همسایگان کشورهای جنگ‌زده هم بسیار مخرب بوده است. افزایش عائله دولت‌ها، افزایش مخاطرات اجتماعی و امنیتی و صدها معضل دیگر، موضوعاتی است که حالا در نتیجه راه‌اندازی جنگ و درگیری از سوی آمریکا و کشورهای غربی، بسیاری از کشورها از جمله ایران، پاکستان، ترکیه و بسیاری از همسایگان کشورهای جنگ‌زده را با مشکلاتی روبه‌رو کرده است.

۱۱ میلیون مهاجر غیرقانونی در ایالات متحده

برآوردهای جدید جمعیت مهاجران غیر مجاز در ایالات متحده رویدادهای پس از اواسط سال ۲۰۲۲ را در برنمی‌گیرد. با این حال، براساس چندین منبع داده جایگزین، احتمال می‌رود تعداد مهاجران غیرقانونی طی دو سال گذشته افزایش یافته باشد.

به‌عنوان نمونه بر خورد با مهاجران در مرزهای آمریکا در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ به رکورد بی‌سابقه‌ای رسید و تعداد متقاضیان منتظر بررسی درخواست پناهندگی تا پایان سال ۲۰۲۳ حدود یک میلیون نفر افزایش یافت. علاوه بر اینها تا دسامبر ۲۰۲۳، نزدیک به ۵۰۰ هزار مهاجر جدید از طریق دو برنامه فدرال، شامل برنامه کوبایی، هائیتیایی، نیکاراگوئه‌ای و ونزوئلایی (CHNV) و طرح اتحاد برای اوکراین (U۴U)، به‌صورت مشروط وارد آمریکا شده‌اند. این گروه‌ها که معمولاً جزء مهاجران غیر مجاز محسوب می‌شدند، در برآوردهای سال ۲۰۲۲

جایگاهی نداشتند. اگرچه این تازه‌واردان احتمالاً جمعیت مهاجران غیرقانونی را افزایش داده‌اند، اما هنوز میزان دقیق این رشد مشخص نیست. نمی‌توان این افراد را به‌سادگی به آمار موجود افزود؛ چرا که هر سال عده‌ای از مهاجران غیرقانونی کشور را ترک می‌کنند، برخی فوت می‌شوند و برخی نیز وضعیت قانونی دریافت می‌کنند. طبق برآوردهای جدید مرکز تحقیقات پیو و براساس نظرسنجی جامعه آمریکایی ۲۰۲۲، جمعیت مهاجران غیرقانونی در ایالات متحده در سال ۲۰۲۲ به ۱۱ میلیون نفر افزایش یافته است. این عدد در سال ۱۹۹۰ حدود ۳/۵ میلیون نفر بوده که در سال‌های اخیر به عدد ۱۱ میلیون نفر رسیده است.

مهاجران افغانستانی از ایران تا قلب اروپا

قبل از سال ۲۰۲۰ و پیش از تسلط جدی طالبان بر عرصه حاکمیتی در افغانستان، ترکیب جمعیت مهاجران افغانستانی در کشورهای مختلف به این صورت بود که آلمان میزان حدود ۱۴۸ هزار نفر، استرالیا میزان ۴۰ هزار نفر و فرانسه میزان ۳۲ هزار نفر از این مهاجران بود. همچنین در استرالیا حدود ۱۱ هزار نفر، در انگلستان ۹ هزار نفر، در هند ۸ هزار نفر و در ایالات متحده آمریکا حدود ۲ هزار نفر مهاجر افغانستانی حضور داشتند. براساس برآوردهای کمیساریای سازمان ملل متحد، تا سال ۲۰۲۳ حدود ۸ میلیون و ۲۲۸ هزار نفر از اتباع افغانستان در پنج کشور همسایه پناهنده شده‌اند. از این تعداد، تقریباً ۴.۵ میلیون نفر در ایران، ۳.۷ میلیون نفر در پاکستان، حدود ۱۱ هزار و ۷۰۰ نفر در ازبکستان، ۱۱ هزار نفر در تاجیکستان و ۵ هزار نفر در ترکمنستان زندگی می‌کنند. لازم به ذکر است این آمار تنها شامل کشورهای همسایه افغانستان است و جمعیت پناهندگان افغانستانی در سایر نقاط جهان در این رقم لحاظ نشده است.

پناهندگی ۴ میلیون اوکراینی در اتحادیه اروپا

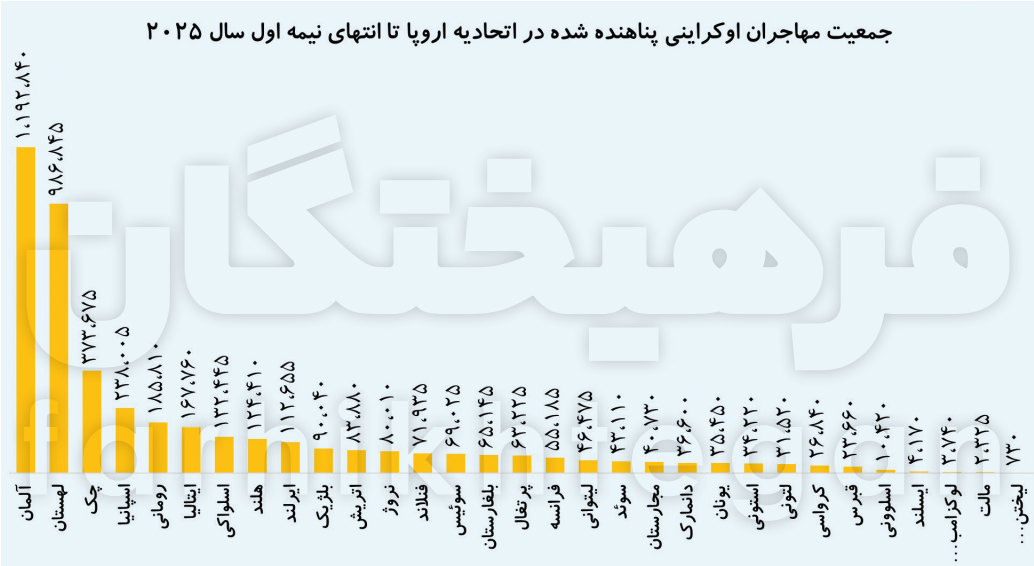
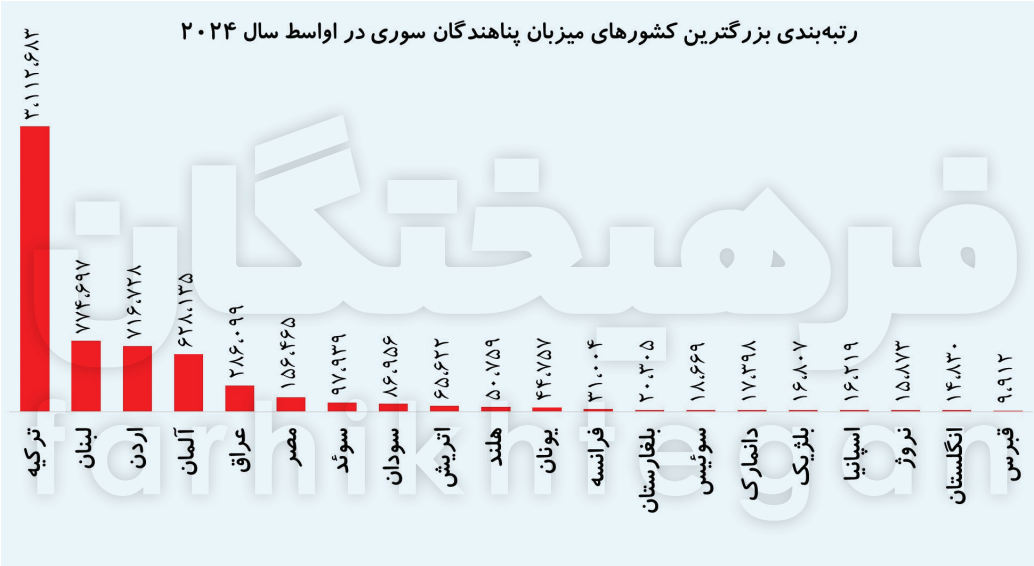
براساس آمارهای رسمی تا پایان نیمه اول سال ۲۰۲۵، آلمان با میزبانی بیش از یک‌میلیون و ۱۹۲ هزار پناهنده اوکراینی، بزرگ‌ترین کشور میزبان این جمعیت در اتحادیه اروپا به‌شمار می‌رود و نقش کلیدی در پذیرش پناهندگان جنگ اوکراین ایفا می‌کند. پس از آلمان، لهستان با حدود ۹۸۶ هزار نفر دومین کشور بزرگ میزبان پناهندگان اوکراینی است که به دلیل همسایگی جغرافیایی و اشتراک مرز با اوکراین، فشار قابل توجهی را متحمل می‌شود. کشورهایی مانند چک، اسپانیا، رومانی و ایتالیا نیز با جمعیت‌های قابل توجهی از پناهندگان اوکراینی، در این فهرست جای دارند و نشان‌دهنده گسترش مهاجرت پناهندگان به‌سراسر اتحادیه اروپاست. در مجموع، بیش از ۴ میلیون و ۲۷۸ هزار پناهنده اوکراینی در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا پراکنده شده‌اند که این آمار، وسعت بحران پناهندگی ناشی از جنگ در اوکراین و تأثیرات گسترده آن بر کشورهای اروپایی را به خوبی نشان می‌دهد. این وضعیت نیاز به هماهنگی‌های بین‌المللی، حمایت‌های انسانی و سیاسی و برنامه‌ریزی‌های جامع برای مدیریت مهاجرت را بیش از پیش برجسته می‌سازد و اهمیت همبستگی میان کشورهای اتحادیه اروپا را در پاسخ به بحران‌های انسانی تأیید می‌کند.

کشورهای میزبان ۶ میلیون پناهندهٔ سوری

براساس آخرین آمارهای منتشرشده در اواسط سال ۲۰۲۴، ترکیه با میزبانی بیش از ۳ میلیون و ۱۱۲ هزار پناهنده سسوری، بزرگ‌ترین کشور میزبان این جمعیت آواره به‌شمار می‌رود و تقریباً نیمی از کل پناهندگان سوری در ۲۰ کشور برتر را در خود جای داده است. پس از ترکیه، لبنان و اردن با میزبانی به ترتیب حدود ۷۷۴ هزار و ۷۱۶ هزار پناهنده، به‌عنوان دیگر کشورهای همسایه سوریه، نقش بسیار مهمی در پذیرش این افراد ایفا می‌کنند. در میان کشورهای اروپایی، آلمان با بیش از ۶۲۸ هزار پناهنده سوری بیشترین تعداد را در اختیار دارد و سایر کشورهای اروپایی مانند سوئد، اتریش، هلند، فرانسه و انگلستان نیز میزان جمعیت‌های قابل توجهی از پناهندگانند. کشورهایی همچون عراق و مصر نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خود، سهمی از این مهاجرت گسترده دارند. مجموع پناهندگان سوری در این ۲۰ کشور بالغ بر ۶ میلیون و ۱۸۱ هزار نفر است که نشان‌دهنده ابعاد گسترده بحران پناهندگی ناشی از جنگ و ناآرامی‌های سوریه است. این آمار تا تأکید است بر فشارهای اجتماعی و اقتصادی فراوانی که بر کشورهای میزبان وارد می‌شود و نیاز به حمایت‌های بین‌المللی و همکاری‌های منطقه‌ای برای مدیریت بهتر این بحران را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

فرصت‌های کوتاه‌مدت تا مشکلات بلندمدت

وقتی ناامنی در یک منطقه افزایش می‌یابد، علاوه بر ورود جمعیت قابل توجهی که نیازمند اشتغال، مسکن و خدمات مختلفند، ممکن است این مهاجرت‌ها در کوتاه‌مدت برای کشور مقصد مفید باشد؛ چراکه نیروی کار جوان و پرانگیزه‌ای را به بازار کار اضافه می‌کند. اما در بلندمدت، پذیرش این جمعیت‌ها با چالش‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی و حتی امنیتی مواجه خواهد شد. مهاجرت نیروی جوان بدون همراهی خانواده معمولاً تأثیر قابل توجهی بر ترکیب جمعیت و ساختار جنسیتی جامعه میزبان دارد. اغلب مهاجران مردند و این موضوع باعث برهم خوردن تعادل جنسیتی در کشورهای مقصد می‌شود. چنین پیامدهایی معمولاً به دنبال جنگ‌ها و درگیری‌ها رخ می‌دهد؛ مانند بحران اوکراین که منجر به آوارگی حدود پنج میلیون نفر و بحران سوریه با حدود ۶ میلیون آواره شده است. همچنین در افغانستان با افزایش فشارهای ناشی از گر و‌و‌های تروریستی مانند داعش، حجم مهاجران افزایش یافته و این موضوع بار سنگینی بر کشورهای همسایه و مقصد وارد می‌کند.



اقتصاد ایران، عقلانیت و تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان



مهدی اشجع
دانشجوی دکتری اقتصاد پولی

عدم اطمینان ناشی از تهدیدهای امنیتی در منطقه جنوب غرب آسیا یک پدیده همیشگی است. تا جایی که در هفته‌های گذشته و در جریان تنش‌های ژئوپلیتیکی اخیر، بیش از پیش نمایان گردید. عدم اطمینان ذاتاً یک مفهوم پر مخاطره است و چنانچه بخواهد دارای اثرات پر مخاطره نیز باشد؛ اهمیتی دوچندان یافته و می‌تواند تأثیرات عمیقی بر رفتار اقتصادی خانوار داشته باشد. موضوع وقتی اهمیت پیدا می‌کند که تحت چنین شرایطی، شاید با چالش عقلانیت در انتخاب مصرف‌کننده نیز روبه‌رو باشیم.

سازگاری در انتخاب، شاید مهم‌ترین فاکتور لازم برای عقلایی بودن یا نبودن تصمیم‌های مصرف‌کننده است و بتوان آن را ثابت در تصمیم تحت شرایط مختلف تفسیر کرد. به‌عنوان مثال چنانچه خانوار ایرانی تحت شرایط جنگ همان ترکیب کالایی و سبد مصرفی را انتخاب کند که در زمان قبل از جنگ و به شرط در دسترس بودن و ممکن بودن هر دو انتخاب، انتخاب می‌کرد، او یک رفتار عقلایی داشته است. در غیر این صورت خانوار یک رفتار غیرعقلایی داشته و می‌تواند بر میزان ریسک و نااطمینانی در اقتصاد افزوده یا سیاستگذار را دچار خطا کند. حال باید دید سازگاری می‌تواند در رفتار عموم مردم ایران در این بازه زمانی صادق باشد یا خیر؟ مطالعه این بازه زمانی از این حیث می‌تواند راهگشا باشد.

برای این بررسی لازم است یادآوری شود این مفهوم فراتر از یک ارزش‌شناسی فرهنگی یا سیاسی است. ما با بد یا خوب اقدام مصرف‌کننده کاری نداریم. آنچه مهم است ثابت و سازگاری در مصرف است. منطقی است بخشی از سبد انتخابی خانوار در شرایط جنگی تغییر کند. به‌طور مثال او تصمیم به خروج از یک شهر گرفته

ریسک ناشی از آغاز جنگ، تا همین چندماه پیش و با سیکنال‌های داخلی و خارجی منجر به افزایش نرخ ارز شده بود. حال آنکه پس از جنگ، مشاهده شد، نه جنگی آغازآزمائی است و نه زیرساخت‌های اقتصادی آن‌گونه که انتظار می‌رفت، دچار خسارت می‌شود. پس سایه جنگ، نااطمینانی بیشتری ایجاد کرد تا خود جنگ و نرخ ارز در مدت جنگ آن‌گونه که انتظار می‌رفت دچار افزایش نشد. بنابراین مشخصاً، مصرف‌کنندگان، احتمال تخریب را بیش از حد واقعی تخمین زده بودند؛ در حالی که حین جنگ، به سبب اثری تحت عنوان دسترس‌پذیری، تخمین مذکور تعدیل شده و به واقعیت نزدیک بود (البته عواملی که منجر به این نتیجه شد می‌توانند بسیار پیچیده باشند که مورد هدف ما نیست).

با لحاظ این تحلیل شاید باید به بروز یک رفتار سودجویانه نشد و از ریسک امنیتی و اقتصادی منجر به بروز یک رفتار سودجویانه نشد و حتی ریسک‌گریزی بیشتر از مطلوبیت انتظاری نمایان گردید. به بیان بهتر برخلاف آنچه انتظار می‌رفت سودجویی پدیده روز نبود و بلکه کسب وکارها اقدام به اتخاذ رویکردهای ضد ریسک نمودند و شرایط با اطمینان با ریسک کمتر را مورد توجه قرار دادند. در مقام مشاهده، افراد نقدینگی بیشتر را به بازدهی بالاتر ترجیح داده و بر این اساس مشخصاً، میزان سطح اولیه نااطمینانی که می‌توانست به‌طور بالقوه چرخه معیوب تولید و بازتولید عدم اطمینان را ایجاد کند، نه‌تنها فروکش کرد بلکه احساسی از اطمینان و تاب‌آوری در سطح ملی را به همراه داشت.

پیش تر عنوان شد که مردم کاملاً عقلانی عمل کرده و شرایط نااطمینانی هم از آن حالت حداکثری فاصله گرفته و وارد یک شرایط جدید تحت مؤلفه‌های نو شده است؛ تا جایی که شاید تفاوت کیفی داشته باشد تا کمی. اما اگر بخواهیم این دور را در ترکیب با یکدیگر بررسی کنیم؛ شاید موضوع به این سادگی نباشد. اما براینند تقاضای مردم را عقلانی احتمالاً دچار یک اشتباه باشیم، ما براینند تقاضای مردم را عقلانی

دانستیم، اما در ظاهر به نظر می‌رسد برخورد مردم با جنگ و ریسک‌های آن تحت نااطمینانی، عقلانی نبوده است. به بیان بهتر تحت شرایط نااطمینانی، مصرف‌کننده سازگار انتخاب نکرده است. مصرف‌کننده‌ای که تا پیش از جنگ، سوداگرانه به بازار می‌نگریست، رفتار کم‌ریسکی را از خود به نمایش گذشت. مافردای تاریخ داریم قضاوت می‌کنیم و باید این مغفله را حل کنیم. مردم در آن شرایط، با اطلاعاتی که داشتند، قضاوت کردند. شرایطی که تا پیش از وقوع جنگ، برای مردم خطرناک به نظر می‌رسید و مورد انتظار بود، هیچ‌گاه داخل مجموعه انتخابی جدیدشان نبود تا بگوییم چرا آن را انتخاب نکردند. به نوعی می‌توان ضمن تأکید بسر تداوم عقلانیت در انتخاب مصرف‌کننده، آن بخش مربوط به عدم اطمینان را به تغییر مجموعه قابل انتخاب و یا حتی تغییر سلاقی نسبت داد. بنابراین شاید بتوان اینگونه نتیجه گرفت که با کاهش عدم اطمینان و سوءظن حداکثری به پدیده جنگ، آن بخش از انتخاب‌های همسوبا بدترین احتمالات به‌طور کل از مجموعه انتخاب مصرف‌کننده ایرانی حذف شد و می‌توانیم همچنان مصرف‌کننده ایرانی را معقول بدانیم.

چیزی که تغییر سلیقه مثبت عقلانی نیز ارزیابی می‌شود. در مجموع بهترین نتیجه این بررسی، شاید این باشد که برای تداوم عقلانیت باید از کاهش نااطمینانی بهره ببریم و حرکت مجموعه حکمرانی به این سو باشد. هرچه عدم اطمینان کاهش یابد، عقلانیت به همان میزان تداوم خواهد یافت. تصور انتخاب غیرعقلایی توسط مصرف‌کنندگان ایرانی می‌توانست بسیار تاریک باشد و به نظر می‌رسد مسیر کاهش نااطمینانی تنها راه بهبود شرایط اقتصادی است. لازم است این انتخاب عقلایی و بهبود سلیقه را با کاهش عدم اطمینان تداوم دهیم. تغییر به سمت سلاقی خوب و تداوم عقلانیت جز از طریق اطمینان بیشتر در انتظارات مصرف‌کننده حاصل نخواهد شد. حال باید دولت از خود پرسید این نااطمینانی را چگونه باید کاهش داد تا عقلانیت دوام یابد؟ این یک فرصت است.

- مدیر مسئول:**
- محمدامین ایمانجانی
- قائم‌مقام مدیرمسئول:**
- مسعود فروغی
- سرردبیر:**
- محمد زعیم‌زاده
- تلفن و فکس:**
- ۰۲۹۹۹۴۹۵۶۲۱(۰۲۱)
- کدپستی:**
- ۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
- چاپ:**
- چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
- نشانی:**
- خیابان حافظ،پایین‌تر از جمهوری
- رویموی ساختمان بورس
- ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم